

## نفت، اوپک و عراق

گفت و گو با دکتر مسعود نیلی

بهمن احمدی امونی

در شرایط فعلی با توجه به حضور قریب الوقوع عراق به عنوان یک صادرکننده واقعی نفت و وضعیت بازار را چگونه ارزیابی می کنید؟

وضعیت بازار نفت را با توجه به چند نکته که هر کدام به طور مستقل حائز اهمیت هستند، باید تجزیه و تحلیل کرد. نکته اول این است که بیش از سه سال است که بازار نفت در شرایط معادل یا بالاتر از متوسط قیمت سال های نسبتاً دور گذشته و با نوسانات نسبتاً کم و در فاصله قیمتی که بین ۲۲ تا ۲۸ دلار تعیین شده، قرار گرفته است. طبیعتاً وقتی که ثبات نسبی قیمت ها در سطح بالایی قرار باشد، انگیزه برای توسعه سرمایه گذاری و ایجاد ظرفیت های جدید افزایش می یابد. این امر هم کشورهای اعم از عضو یا غیر عضو اوپک را در بر می گیرد. بنا بر این باید انتظار داشت که به تدریج نتایج آن افزایش ظرفیت ها در قالب افزایش تولید ظاهر شوند. مطالعاتی هم انجام شده و تحقیقی که خود من انجام داده ام نشان می دهد واکنش کشورهای غیر اوپک به افزایش یا کاهش قیمت، در مقایسه با کشورهای اوپک بسیار قوی تر است. هر چند وقتی که قیمت ها بهبود پیدا می کند هم اوپک و هم کشورهای غیر اوپک شدیدتر واکنش نشان می دهند. یعنی با آن ظرفیتی که دارند مقدار تولیدشان را بیشتر افزایش می دهند، در زمان کاهش قیمت اوپک شدیدتر واکنش نشان می دهند و تولید را کم می کنند. بنابراین وقتی ما به چنین شرایطی نگاه

عربستان، ایران و کویت خواهد بود. رقیبی که امروز با حمایت آمریکا شاید بتواند، اوپک را از کارایی خود ببندازد. مسعود نیلی کارشناس اقتصاد ایران و مشاور وزیر نفت در این گفت و گو مسائل اوپک، نقش عربستان ایران و عراق و آینده بازار نفت را تجزیه و تحلیل کرده است که می خوانید:

پس از نزدیک به ۱۲ سال، دوباره عراق بر صندلی خود در اوپک نشسته است. گمانه زنی های بسیاری در مورد عراق، آینده این کشور، مناسباتش با آمریکا و اوپک مطرح شده است. خیلی ها بر این باورند که عراق جایگاه عربستان سعودی را در اوپک به دست خواهد آورد و یا حداقل رقیب جدی برای



می کنیم انتظارمان این است که افزایش تولید در بازار از سال آینده مشاهده شود. این در شرایطی است که اقتصاد جهانی هنوز از شرایط نسبتاً کم تحرکی که در آن قرار داشته خارج نشده است و پیش بینی های موجود نشان می دهد که در سال ۲۰۰۴ میلادی روزانه بین یک تا یک میلیون و دویست هزار بشکه به تقاضای جهانی اضافه خواهد شد. از سوی دیگر برآوردها نشان می دهد کشورهای غیر اوپک در این سال حداقل به همین میزان نفت به بازار عرضه خواهند کرد. در نتیجه اوپک در یک نقش منفعلانه قرار خواهد گرفت که یا باید به همین سیاستی که در عرضه سه سال گذشته داشته ادامه دهد، بدین معنی که تقریباً تولیداتش ثابت بماند و یا مقصداری هم کاهش پیدا کند و کشورهای غیر اوپک تولید خود را افزایش دهند که این یک بعد از قضیه است در بعد دیگر عراق به تدریج به عنوان یک صادرکننده با توان فزاینده وارد شدن به بازار نفت شود بنابراین احتمال اینکه در سال آینده قیمت کاهش پیدا کند احتمال کمی نیست.

**یعنی احتمال برای سال آینده وجود دارد؟**

بله. در حال حاضر اگر اتفاق سیاسی خاصی در دنیا روی ندهد، هیچ یک از

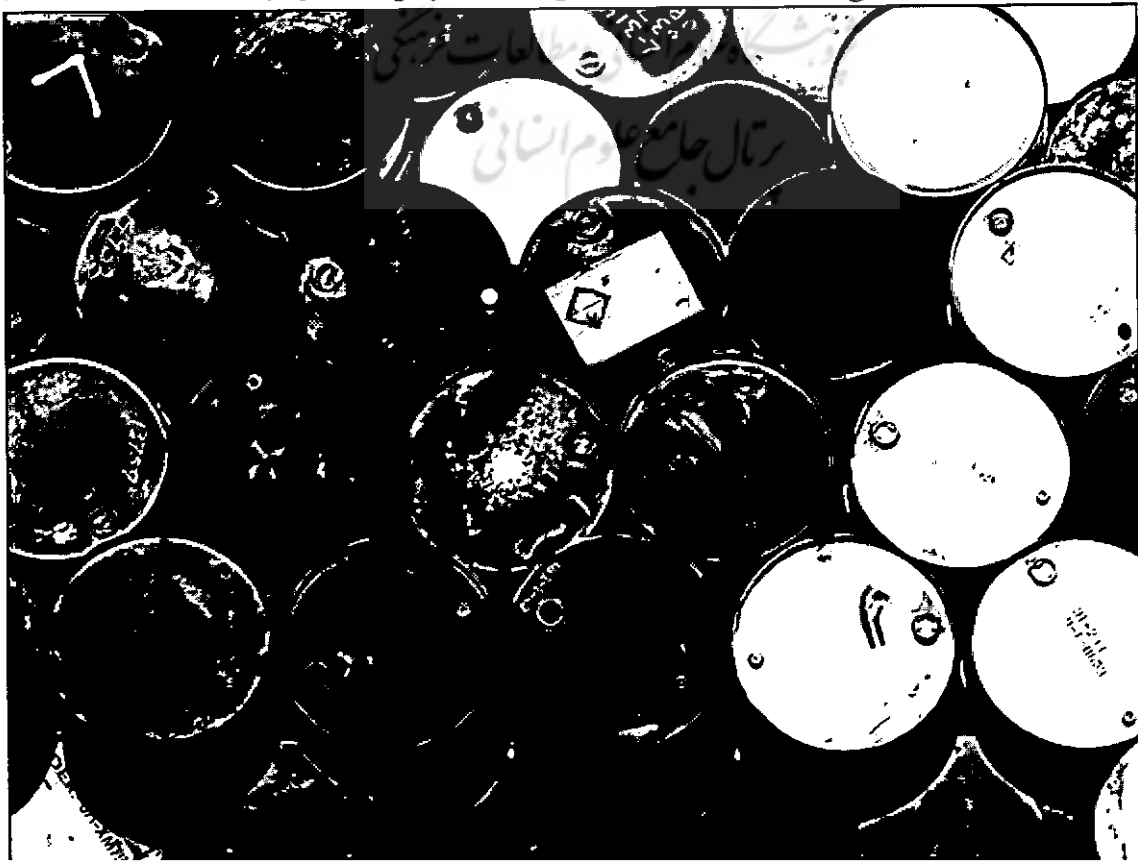
مراجع مطالعاتی معتبر بین المللی نشانه ای دال بر افزایش قیمت نسبت به سطح موجود ارایه نمی کنند.

برعکس نشانه های آن وجود دارد که در مجموع با توجه به شرایط اقتصاد جهانی و به خصوص با توجه به نحوه رفتار کشورهای غیر اوپک علامت های دال بر کاهش قیمت بیشتر مشاهده می شود تا افزایش قیمت. بنابراین می توان پیش بینی کرد احتمال کاهش قیمت نفت در سال آینده احتمال نسبتاً زیادی است.

**در صحبت هایتان اشاره کردید که واکنش اوپک در برابر افزایش قیمت کمتر از کشورهای غیر اوپک است و در برابر کاهش قیمت بیشتر از کشورهای غیر اوپک، علت این مسئله چیست؟**

البته این تحقیقی است که در روزهای اخیر نتایج آن را به دست آورده ام. این نتیجه برای خود من هم جالب بوده است. که اگر این نتایج درست باشد نشان می دهد در زمانی که قیمت افزایش می یابد کشورهای غیر اوپک تولید خود را افزایش می دهند. لذا سهم اوپک در بازار کاهش پیدا می کند و در زمانی که قیمت کاهش می یابد اوپک نیز تولید خود را کاهش می دهد. بنابراین باز هم سهم اوپک کاهش می یابد. از این رو، می توان اینطور فهمید که تحت هر شرایطی چه قیمت افزایش

یابد و چه کاهش یابد، سهم اوپک در بازار جهانی کاهش می یابد. البته می توان دلایلی در مورد این که چرا این اتفاق می افتد ارایه کرد. یکی از این دلایل به ساختار اقتصادی ضعیف کشورهای عضو اوپک و به خصوص ساختار مالی و بودجه ای این کشورها که خیلی وابسته به نفت است بر می گردد. این وابستگی همچنان تداوم دارد و در حال عمیق تر شدن هم هست. بنابراین خواه ناخواه کشورهای عضو اوپک در شرایطی که قیمت های نفت کاهش می یابد چون به لحاظ وابستگی مالی به درآمدهای نفت بیشتر نگران قیمت ها هستند، واکنش قوی تری از خود نشان می دهند. از طرف دیگر زمان افزایش قیمت ها هم به دلیل اینکه با محدودیت ظرفیت مواجه می شوند قدرت مانورشان کم می شود. اما کشورهای غیر اوپک چون بیشتر با سیستم اقتصاد جهانی و شرکت های بین المللی کار می کنند، حداقل در کوتاه مدت با سرعت بیشتری ظرفیت ایجاد می کنند و تولید را بالا می برند. بنابراین کشورهای عضو اوپک در افزایش قیمت خیلی نمی توانند واکنش نشان دهند. به اضافه اینکه در زمان افزایش قیمت، اوپک رفتار محافظه کارانه ای از خود بروز می دهد و نگران این است اگر افزایش ظرفیت ادامه داشته باشد و





تولیدش را بیشتر افزایش دهد، منجر به آن شود که قیمت ها آهنگ نزولی پیدا کنند. اصولاً وابستگی زیاد کشورهای عضو اوپک به درآمدهای نفت باعث شده در رابطه با نوسانات نفت محافظه کارانه تر از کشورهای غیر اوپک رفتار کنند.

**شما بحثی را قبلاً مطرح کرده بودید به این مضمون حال که آمریکا در عراق مستقر شده است باید این کشور به نوعی عضو اوپک به شمار آورد. حال که چند ماه از اشغال عراق به وسیله آمریکا می گذرد و تقریباً دولتی در آن کشور به وجود آمده آیا هنوز شما بر آن تصور هستید؟**

اجلاس اخیر اوپک اولین اجلاسی بود که نماینده عراق پس از سالها در آن شرکت می کرد. هنوز زود است که قضاوت کنیم عراق با چه موضعی در مسائل اوپک وارد خواهد شد. نکته ای که تصور می کنم می توان پیش بینی کرد این است که عراق به احتمال زیاد با توجه به محدودیت های زیادی که طی سال های گذشته به آن تحمیل شده است از این موضع در اوپک دفاع خواهد کرد تصمیمات با آثار منفی یا آثار زاید کاهنده بر قیمت نفت را نپذیرد. ضمناً از حق رأیی که دارد استفاده لازم را به عمل بیاورد و بر عکس در تصمیماتی که می تواند نتایج مثبت برای آن داشته باشد آماده باشد. بنابراین شاید در جاهایی که

محدودیت های تولید و یا به قصد کاهش تولید اعمال شود عراق تلاش کند با این استدلال که در سال های گذشته فشار زیادی بر این کشور وارد شده و برای بازسازی نیاز به منابع مالی جدید دارد، چه به صورت رسمی و چه در عمل به صورت عدم پایبندی به تصمیمات اوپک، عمل کند. البته از امتیازاتی که برای حضور در اوپک می تواند داشته باشد نیز استفاده خواهد کرد. بنابراین شاید ما انتظار چنین رفتاری را از عراق در اوپک داشته باشیم. نکته دیگری که می توان مطرح کرد این است که اصولاً نوع واکنش اوپک به نوسانات قیمت نفت نوعی از واکنش بوده که هماهنگی و همسویی خیلی نزدیکی را با نظام اقتصاد جهانی داشته است. مثلاً در مواقعی که قیمت ها افزایش پیدا کرده است اوپک از طریق افزایش تولید و استفاده حداکثر از ظرفیت تولید خود که گاه به ۹۲ درصد بر اساس آمارهای رسمی می رسد، در جهت تحقق اهداف خویش به ناچار از همسویی با سیاست های اقتصاد جهانی بوده و خواهد بود، این در مجموع نوعی هماهنگی را ایجاد کرده است. بنابراین تا زمانی که این مسئله نقض نشده عراق ممکن است در اوپک دلیلی نبیند که بخواهد سیاست ناهماهنگی با اوپک را پیش ببرد. مگر مواردی که بخواهد خود را از جهت گیری هایی که اوپک دنبال می کند، مستثنی کند.

برخی بر این باورند که برنامه هایی طراحی شده تا عراق جانشینی عربستان را در اوپک به عهده بگیرد. با توجه به نگرانی هایی که آمریکا در قبال رژیم عربستان دارد و بنیاد گرایی اسلامی که از عربستان سرچشمه گرفته می شود، خیلی ها بر این باورند که عراق آماده می شود برای تهدید کردن موقعیت عربستان. این ارزیابی را شما به چه میزان درست می دانید؟

به نظر من این ارزیابی خیلی غیر واقع بینانه است. اوپک از نظر میزان تولید نفت مجموعه ای ناهمگون از کشورهاست. درست است که بر اساس منافع مشترک در زمینه این چنین تولید کشورهای با هم جمع شده اند، اما اگر از نظر میزان تولید نفت به این کشورها نگاه کنیم و تولید کشورهای عضو اوپک را به صورت کسری از تولید عربستان اندازه گیری و طبقه بندی کنیم، می بینیم قطر، لیبی، الجزایر و اندونزی چهار کشوری هستند که به طور متوسط یک دهم عربستان تولید می کنند. سه کشور دیگر هم هست که به طور متوسط یک چهارم عربستان تولید می کنند و توان تولید دارند. بنابراین همه کشورهای عضو اوپک فاصله زیادی با عربستان دارند. عراق هم در شرایط فعلی و شاید تا ده سال آینده به مرحله ای خواهد رسید که توان تولید خود را به حدود نصف

عربستان برسانند. بنابراین بسیار طول خواهد کشید که این اتفاق در عراق روی دهد و مسلماً عربستان در بازار نفت این منطقه یک نقش مهم و اساسی را هنوز تا مدت های طولانی خواهد داشت و خیلی غیر واقع بینانه است اگر تصور کنیم ممکن است عراق به تنهایی به عنوان یک جایگزین عربستان در بازار نفت این منطقه وارد عمل شود.

**پس این تحلیل ناشی از چه برآوردهایی است. چون گاه می بینیم که منابع اقتصادی و سیاسی معتبر نیز به آن اشاره می کنند؟**

باید دید آن استدلالی که ارایه شده چه بوده است. تحلیل تحولات سیاسی که در عراق افتاده را باید فراتر از نفت نگاه کرد. اهدافی که آمریکا از این موضوع دنبال می کند و همچنین بیشتر تحلیل های عمیق و جامعی که من در مورد عراق دیده ام تحلیل هایی بوده که فاصله بسیاری با این داشته که آمریکا فقط به دنبال نفت عراق باشد. بنابراین اگر این را بپذیریم که آمریکا خط مشی جدیدی در رابطه با مجموع خاورمیانه را دنبال می کند، و اگر بتواند الگوی حکومتی و سیاسی جدیدی را در عراق پیاده کند و از دید خود نمونه موفقیتی را هم بتواند در آنجا پیاده کند، به احتمال قوی آثار آن در تضعیف موقعیت عربستان خیلی بیش از آن خواهد بود که صرفاً تولید نفت عراق بخواهد با عربستان رقابت کند. بنابراین اگر اهداف آمریکا بسیار فراتر از نفت باشد، ابزارهایی هم که برای تغییر وضعیت نسبی قدرت در منطقه استفاده می کند، ابزارهای متنوعی خواهد بود که نفت به اندازه وزن خودش در آن اثر خواهد داشت. من معتقد به تحلیل هایی که نقش نفت را در ارتباط با تحولات منطقه بزرگ نمایی می کنند، نیستم.

**شما در صحبت هایتان به رفتاری که عراق ممکن است در شرایط فعلی در اوپک داشته باشد اشاره کردید. این رفتار می توانست حتی در صورت عدم حضور آمریکا به دلیل اینکه سال ها تحت تحریم و فشارهای بین المللی بوده است**

**و نیاز به سرمایه گذاری برای زیر ساخت های خود دارد، ادامه پیدا کند. شما در تحلیل خودتان آیا هیچ نقشی برای حضور عامل خارجی و به ویژه آمریکا قابل نیستید؟**

به نظر می رسد آمریکا و در تحلیلی گسترده تر کشورهای صنعتی، قیمت های نفت را در حد قیمت های سه سال گذشته قیمت های قابل قبولی می دانند. بنابراین نمی توان تصور کرد که تنها در اوپک به دنبال کاهش قیمت ها باشند. پس اگر بخواهد علایقی را در اوپک دنبال کند یکی از آن ها به طور بالقوه می تواند نگرانی های

پیش بینی ها درست باشد که در حال حاضر پیش بینی های موجود تقریباً همه بر این موضوع اتفاق نظر دارند، با توجه به وضعیت کشورهای عضو اوپک و میزان تولیدی که این کشورها در حال حاضر دارند. این نگرانی می تواند نگرانی مهمی برای آن زمان باشد. اگر آمریکا نگاه بلند مدتی داشته باشد و اگر از زاویه نفت هم در کنار سایر منازعاتی که دارد به این مسأله نگاه کند، می تواند اراده اعمال نفوذ و تحت تأثیر قرار دادن اوپک را برای مدتی از خود نشان دهد. ضمن اینکه نباید فراموش کرد که عراق پس از سال ها پیگیری



مربوط به قیمت نفت در کوتاه مدت باشد. همانطور که قبلاً توضیح دادم به نظر می رسد سیاست های اوپک، سیاست های هماهنگ با اقتصاد جهانی است و نوعی رضایت دو جانبه بر روی این موضوع ایجاد شده است و کمتر تعارضی بین تولید کنندة های بزرگ و کشورهای اوپک در شرایط موجود بازار جهانی نفت احساس می کنیم. از این نگرانی که بگذریم نگرانی بلند مدت می تواند این باشد که پیش بینی های بلند مدت بازار جهانی نفت نشان می دهد اتکای بازار نفت از بُعد عرضه به نفت خلیج فارس در سال های ۲۰۱۰ به بعد به شدت افزایش خواهد یافت. اگر این

سیاستی که منجر به عدم سرمایه گذاری در این کشور شده حالا وارد عرصه ای شده است که اقبال عمومی به آن زیاد رو به فزونی خواهد داشت. بنابراین ایجاد ظرفیت های جدید چیزی است که سال ها طول خواهد کشید و هزینه های بسیاری هم در پی خواهد داشت. این واکنش و نوع رفتار عراق چندان تابع آن نیست که آمریکا در این کشور حضور داشته باشد یا خیر. اما در بلندمدت می توان انتظار داشت که چنین ملاحظه ای مطرح شود.

**در واقع شما معتقد هستید که در بلند مدت شاهد نقش بیشتر آمریکا در اوپک خواهیم بود. البته به وسیله عراق؟**



در حقیقت لازم نیست آمریکا به طور مستقیم نقش خاصی را ایفا کند. همین که به نوعی تأمین امنیت عرضه جهانی نفت وجود داشته باشد کافی است، یعنی کافی است که آمریکا در عراق سرمایه گذاری کند و کشورهای خارجی نیز در این کشور برای افزایش ظرفیت تولید نفت، سرمایه گذاری کنند و توان فناوری آن را افزایش دهند، نیروی انسانی تربیت کنند و ظرفیت های کشور را بالا ببرند. در این حالت خود به خود منافع عراق ایجاب خواهد کرد. بنابراین لازم نیست که همانند تحلیل های دهه های گذشته انتظار داشته باشیم آمریکا خودش مستقیماً دستوراتی را به عراق بدهد و عراق هم آن دستورات را در اوپک دنبال کند. ساز و کارهای طبیعی تأمین منافع عراق و همسویی آن با منافع جهانی به خودی خود در افزایش تولید و ایجاد ظرفیت های جدید، برای رسیدن به این موضوع کافی است.

در جلسه اخیر اوپک که عراق هم برای اولین بار در آن حاضر شد، صحبت هایی از احتمال خروج این کشور از اوپک پیش آمد، اگر چه این صحبت ها خیلی پر رنگ نبود. این موضوع تا چه حد قابل بررسی است؟

البته حرکت بسیار ضعیفی بود و فقط از طرف یک کشور مطرح شد و بقیه کشورها با مراجعه به پیشینه ای که کشورهای دیگر در شرایط مشابه با عراق در سال های گذشته داشتند، پذیرفتند که این کشور همچنان به عنوان عضوی از اوپک باقی بماند. بنابراین مخالفت چندان تأثیرگذار و مهمی نبود چون مستندانی که برای ادامه حضور عراق ارائه شد مستنداتی بود که نمی شد چندان با آن ها مخالفت کرد.

بحثی نیز به وسیله ونزولا مطرح شد در مورد تغییر قیمت و این که طیف قیمتی ۲۲ تا ۲۸ دلار به ۳۰ دلار برسد. یا توجه به مباحثی که شما مطرح کردید به نظر می رسد این بحث نمی تواند چندان کارایی داشته باشد؟

بله من این موضوع را در روزهای اخیر به نقل از آقای جاوز شنیدم.

### در اوپک مطرح نشد؟

خیر، فضای کلی آنجا این بود که نگرانی از کاهش قیمت در آینده وجود خواهد داشت. ضمن اینکه اوپک تصمیم گرفت ۹۰۰ هزار بشکه از ظرفیت تولید خود را در روز کاهش دهد. این خود منعکس کننده نگرانی ناشی از کاهش قیمت بود. بنابراین طبیعتاً معنادار در چنین شرایطی که نگرانی از کاهش قیمت وجود دارد بخواهیم طیف قیمتی را در یک عدد بالاتری قرار دهیم.

### فکر می کنید چرا این بحث را مطرح کردند؟

واقعاً معلوم نیست موضوعی که ونزولا اتخاذ می کند و اظهار نظراتی که می کند تا چقدر به بررسی های کارشناسی و علمی نزدیک باشد.

یک بحث دیگر در این زمینه، بحث انتخاب دبیر کل اوپک است. به نظر می رسد بعد از چهل سال شانس ایران برای دبیر کلی اوپک نسبت به قبل بیشتر شده است آیا این صحت دارد؟

به هر حال اگر قاعده مند شدن انتخاب دبیر کل پذیرفته شود در آن قاعده، طبیعتاً ایران هم در موقعیتی قرار خواهد گرفت که دبیر کلی اش تحت آن قاعده پذیرفته شود. مثلاً فرض کنید این قاعده ممکن است بر حسب حروف الفبا باشد و یا هر قاعده دیگری که گذاشته شود؛ طبق آن تمام کشورها شانس تعیین شده و مشخص خواهند داشت برای اینکه دبیر کل اوپک شوند. در این حالت ایران هم حتماً از این

شانس برخوردار خواهد شد. به نظر می رسد که راه حل این موضوع همین باشد. به دلیل اینکه در غیر این صورت کشورهای عربی خاورمیانه و ایران همچنان از دبیر کلی کنار خواهند ماند و کشورهای چون ونزولا، الجزایر و لیبی برای دبیر کلی شانس خواهند داشت، کشورهایی که تولیدکنندگان کوچکی هستند و وزن مهمی در اوپک ندارند.

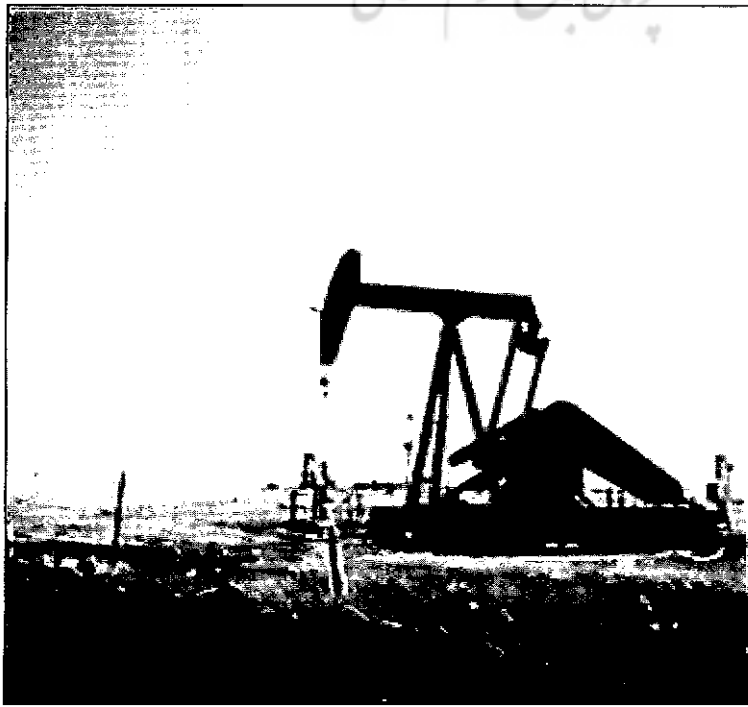
### احتمال قبول کردن قاعده ای که گفتید چقدر است؟

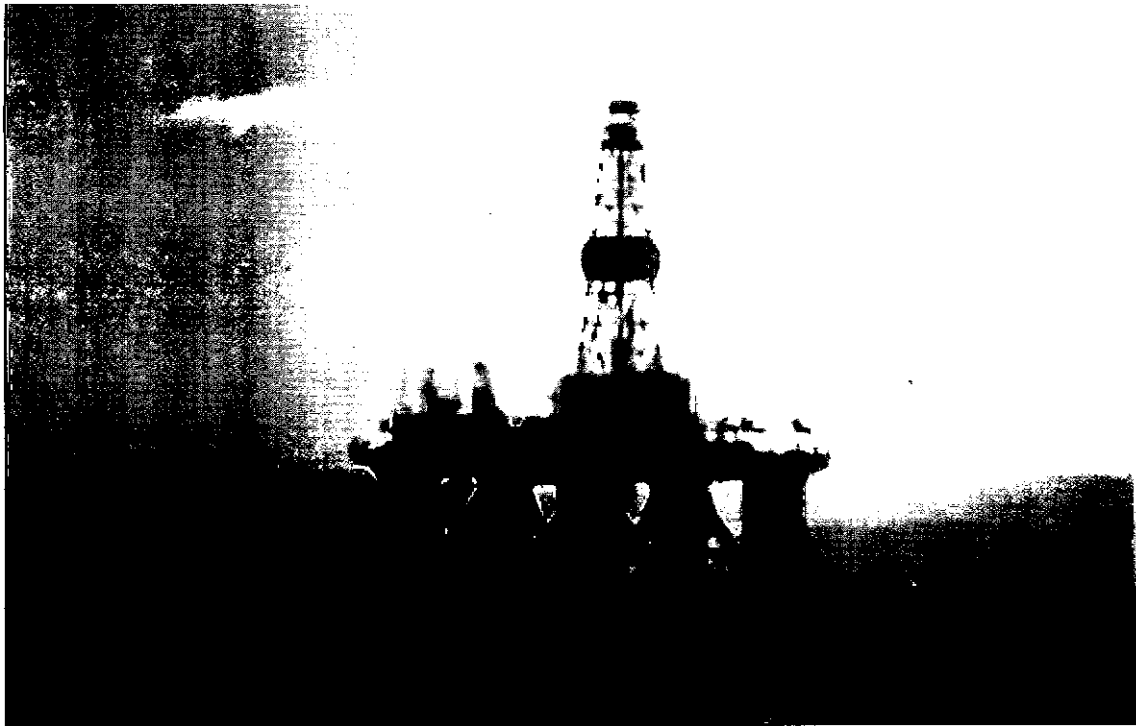
احتمال پذیرش این قاعده کم نیست. بررسی این موضوع به جلسه آینده موکول شده است. باید صبر کرد و دید که در اجلاس بعدی این مسأله به چه صورت طرح خواهد شد. اگر در اتخاذ تصمیم در مورد افراد پیشنهاد شده، اوپک با بین بست مواجه شود، خواه ناخواه به قاعده ای تن خواهد داد و طبق آن قاعده می توان پیش بینی کرد که ایران هم در آینده در این موقعیت قرار بگیرد که عنوان دبیر کلی اوپک را داشته باشد.

اگر به مرحله تصویب قاعده نرسید، در آن شرایط آیا احتمالی برای ایران در شرایط موجود وجود دارد؟

به نظر من این احتمال خیلی کمی است. به دلایل متعددی که بخشی از آنها می تواند شرایط و مسائلی باشد که ما در حال حاضر با آن روبرو هستیم.

امکان دارد بیش از این توضیح دهید؟ شرایطی که در حال حاضر مادر عرصه بین المللی با آن مواجه شده ایم





می تواند در این مورد بی تأثیر نباشد. به اضافه این که به هر صورت الان یک گزینه هم از طرف کویت و عربستان حمایت می شود و با توجه به نفوذی که عربستان در حوزه کشورهای خلیج فارس دارد نمی توان آن را نادیده گرفت. احتمال موفقیت آن ها بیشتر است. به خصوص گزینه ای که مطرح شده در تمام سال های گذشته در بخش تحقیقات اوپک فعال بوده است و چهره ای شناخته شده است. بنابراین ارتباط بیشتری با اعضاء داشته و نفوذ و حمایت عربستان را هم نمی توان در این رابطه نادیده گرفت. لذا شاید در غیاب یک قاعده پذیرفته شده، تصور اینکه ایران بتواند از چنین شانسی برخوردار شود، خیلی کم است. با توجه به اینکه ایران در حال حاضر در سطوح پایین تر از آن هم حضور جدی و مهمی در اوپک ندارد و این مسأله مهمی است که نباید از آن غافل بود.

این بحث عدم امکان دبیر کلی ایران در اوپک چقدر به مسائل سیاسی و چقدر به مسائل فنی و کارشناسی خود نفت بر می گردد. به نظر می رسد بحثی که در این سالها خوب به آن پرداخته نشده است و همان بحث عدم حضور ایران در سطوح کارشناسی اوپک است که شما اشاره کردید. آیا این موضوع ناشی از ضعف کارشناسی در داخل کشور نیست؟

به نظر من این مسئله بیشتر به یک ضعف عمومی که در کشور وجود دارد بر

می گردد. به نظر من نیروی انسانی موجود در وزارت نفت در مقایسه با بسیاری از وزارتخانه های دیگر به طور نسبی توان بالایی دارند، وقتی که این افراد را با افرادی که الان در دبیرخانه اوپک سمت هایی دارند مقایسه می کنیم باز این افراد ایرانی با آنها کاملاً قابل مقایسه هستند. بنابراین اینطور نیست که ما افرادی داریم که کاملاً ضعیف و ناکارا هستند و به این دلیل نمی توانند به مناصب اوپک راه پیدا کنند. اصولاً این درونگرایی که در مجموع سیستم ما وجود دارد موجب شده که ما به طور سیستماتیک از موقعیت هایی که کشورهای دیگر خیلی راحت از آن برخوردار می شدند، محروم شویم. من فکر می کنم اگر مروری به فهرست مدیرانی که در کشور طی بیست سال گذشته در سطوح مدیریتی میانی و بالاتر اشتغال به کار داشتند بیندازیم چهره های بین المللی را در میان آنها خیلی کم می بینیم. این ناشی از این نیست که کارشناسان و مدیران ایرانی استعداد حضور در مجامع بین المللی را ندارند. بلکه وقتی یک کشوری درونگراست و چندان با دنیای خارج ارتباط ندارد خود به خود چهره های بین المللی هم در آن کم رشد می کنند. کفایت در این زمینه، به برخی مشکلات که ممکن است کشور در عرصه خارجی با آن مواجه شده است را نیز اضافه کنیم تا وضع از این بابت وخیم تر نشان داده شود. این مسائل شانسی ما را

کاهش خواهد داد. وقتی این اتفاق می افتد شانسی کشورهای مثل عربستان برای حضور در دبیر کلی اوپک ضعیف تر می شود. چون رسیدن به این مقام به هر حال رقابتی بین کشورهای مختلف است و نتیجه آن این شده که در حال حاضر بیشتر کشورهای ضعیف تر در آنجا حضور دارند. ضعیف به لحاظ تولید نفت. یعنی کشورهای قدرتمند به لحاظ تولید از لحاظ حضور در دبیرخانه ضعیف تر هستند در حالی که قاعدتاً باید برعکس باشد. به هر حال کشورهایی که بیشتر بار تولید را بر دوش می کشند و نقش اصلی در اوپک دارند باید در اداره اوپک هم نقش قوی تری داشته باشند. اما این طور نیست. مثلاً در بخش تحقیق اوپک قبل از اینکه نماینده کویت باشد نماینده لیبی حضور داشته است. در حالی که لیبی یک تولید کننده کاملاً حاشیه ای در اوپک است. این ناشی از آن است که به هر حال ایران کشوری است که نوعاً کمتر در مجامع بین المللی حضور داشته است. متقابلاً هم این عدم راهیابی ها تأثیر خود را به این صورت نشان می دهد که کشورهای رقیب ایران نیز کمتر بتوانند وارد این عرصه شوند. در حالی که اگر در حال چهره هایی که در دبیرخانه اوپک حضور دارند را با چهره هایی که در وزارت نفت هستند مقایسه کنیم می بینیم اینها قابلیت و توان این را دارند که بتوانند در چنین سمت هایی با موفقیت کار کنند. این

موضوع را نمی توان نادیده گرفت. یعنی اینکه چون ایران نتوانسته است عضوی از ستاد اداره امور اوپک شود به طور غیر مستقیم یا مستقیم شرایطی را به وجود آورده تا کشورهای عربی و مهمی مثل عربستان هم نتوانند به آن جا بروند؟

بله

پس در واقع عامل آن ایران بوده است؟

به هر حال نمی توان این را از نظر دور داشت که اگر ایران از شانس برای گرفتن پستی در اوپک محروم شده است، این را در تصمیمات خودش وارد نکند که درباره کشورهای دیگر چه اظهار نظری می کند. چون ایران حق خودش می داند که در آنجا حضور داشته باشد، احساس می کند نیروهایی دارد که سال ها در وزارت نفت و عرصه های بین المللی فعال بوده اند و می توانند در اوپک نقش مهمی بازی می کنند وقتی آنها از این حق و شانس محروم می شوند، پس باید این شانس به کشورهایی برسد که از حساسیت کمتری برخوردارند. عربستان به دلیل نقش عمده ای که در تولید نفت اوپک دارد، خود به خود یک کشور تأثیر گذار بر تصمیمات و پست های کلیدی اوپک است. بنابراین وزن عربستان بدون اینکه سمتی در دبیرخانه داشته وزن زیادی است و اگر این نقش تبدیل به سمت های اداری قابل توجه هم در دبیرخانه اوپک شود طبیعتاً موقعیت این کشور را به یک موقعیت کاملاً برتری نسبت به بقیه اعضا تغییر خواهد داد.

یک بحث و معضل در سطوح کارشناسی ایران وجود دارد و آن این است چرا وزیر نفت عربستان پس از سال ها که از پست وزارت کنار می رود به یک کشور غربی می رود و یک مؤسسه مطالعات معتبر بین المللی در خصوص انرژی راه اندازی می کند، اما مقامات و وزرای نفت ایران هم که گاه تا ۱۲ سال هم در پست وزارت نفت بوده اند، تن به یک سری کارهای اجرایی بعضاً غیر مرتبط با انرژی و نفت می دهد؟ به نظر من آقای زکی یمانی یک چهره استثنایی در بازار نفت است. یعنی هم به

لحاظ تحصیلات کسی است که فارغ التحصیل یکی از بهترین دانشگاه های آمریکا بوده و هم سال های متمادی به عنوان وزیر نفت در عربستان فعالیت کرده و تجربه زیادی را در آنجا انباشته است. با توجه به همان نکته ای که پیش از این گفتم به هر حال وقتی الان عربستان را نگاه می کنید می بینید کشوری است که حداقل در سطوح مدیریتی و سیاسی ارتباط خوبی با دنیا دارد. بنابراین وقتی کسی مثل آقای زکی یمانی مؤسسه مطالعات انرژی را در لندن دایر می کند، می تواند به راحتی چهره های مختلف اروپایی، آمریکایی، عرب و ایرانی را جذب کند. الان مامی بینیم بهترین کارشناسان اقتصادی نفت در حال همکاری با ایشان هستند. این ناشی از قابلیت هایی بوده که ایشان هم به لحاظ علمی و هم به لحاظ تجربی داشته است. شبیه آقای زکی یمانی را در وزارتخانه های کشورهای دیگر هم نمی توانید مشاهده کنید. من بعید می دانم که الان مثلاً آقای علی النعیمی به عنوان کسی که از دوران پس از کودکی در مجموعه شرکت نفت عربستان بوده و در آن صنعت رشد کرده و

مدارج مختلف را طی کرده است و به بالاترین سطح رسیده است بتواند در آینده در موقعیت هایی نزدیک به زکی یمانی قرار بگیرد. البته جدای از اینکه ما نمی توانیم مسائل خود را نادیده بگیریم. اما از این بابت می توان گفت ایشان یک چهره استثنایی در بازار نفت است.

ایران تا به حال چنین چهره ای نداشته است؟

ایران متأسفانه در هیچ زمینه ای چهره ندارد. حالا بحث در این مورد فراتر از بحث نفت است. فکر می کنم اینکه افرادی از ایران بتوانند در عرصه های بین المللی حضور فعال و پر رنگ داشته باشند در حال حاضر یک ارزش تلقی نمی شود. بنابراین شاید الان افراد زیادی در کشور داریم که احتراز می کنند از اینکه چهره بین المللی شوند. به دلیل اینکه ممکن است برداشت های دیگری از آنها بشود. درونگرا بودن سیستم در شرایط فعلی بر همه جنبه ها اثر خود را گذاشته است. بنابراین افراد ترجیح می دهند که کمتر وارد عرصه های بین المللی شوند و با آنها ارتباط داشته باشند.

